

رویارویی سنت‌های پزشکی در رسالهٔ علاجات داراشکوهی نوشتهٔ نورالدین شیرازی^۱

فابریزیو اسپزیال *

دانشیار دانشگاه پاریس ۳

علاجات داراشکوهی رسالهٔ پزشکی جامعی است به زبان فارسی که نورالدین محمد عبدالله شیرازی^۲ آن را به رشتهٔ تحریر درآورد و به شاهزادهٔ گورکانی، داراشکوه (۱۶۱۵-۱۶۵۹م)، تقدیم کرد. این اثر به نام علاجات داراشکوهی یا ذخیرهٔ داراشکوهی^۳ معروف است و شرحی است مفصل از علم طب رایج بین پزشکان مسلمان هند عهد گورکانی. نورالدین شیرازی یکی از نویسندگان پیشتاز آثار پزشکی به زبان فارسی بود و در طی

آحسنى از او با اسم نورالدین محمدبن "عبدالله بن علی الشیرازی الحکیم عین الملک" یاد می‌کند. بنگرید به 'Abd al-Hayy Hasanī, *Nuzhat al-hawāṭir wa bahjat al-masāmi' wa al-nawāṭir* (Hyderabad: Dā'irat al-Ma'ārif, 1990), vol. 5, 407, الإعلام بمن فی تاریخ الهند من الأعلام المسمی بنزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر.

آبنگرید به Abdul Muqtadir, *Catalogue of the Arabic*

"این جستار ترجمهٔ کاوه بلوری از مقالهٔ منتشرنشدهٔ The Encounter of Medical Traditions in Nur al-Din Shirazi's 'Ilājāt-i Dārā Shukūhī

است که پس از تغییرات تاریخی و فنی فیروزه پاپن-متین و ویرایش وحید طلوعی به چاپ می‌رسد. این مقاله در مجموعه مقالات همایش "طب آیورودا در هند در دورهٔ بعد از کلاسیک و قبل از استعمار" در مؤسسهٔ بین‌المللی مطالعات آسیا در نهم جولای ۲۰۰۹ در لیدن عرضه شده است.

Fabrizio Speziale, "The Encounter of Medical Traditions in Nur al-Din Shirazi's 'Ilājāt-i Dārā Shukūhī," *Iran Namaq*, Volume 1, Number 3 (Fall 2016), 104-118.

فابریزیو اسپزیال (دانش آموختهٔ مدرسهٔ عالی مطالعات علوم اجتماعی پاریس) دانشیار دپارتمان مطالعات ایرانی، هندی، عبری و عربی دانشگاه پاریس ۳ (سوربن جدید) و صاحب کرسی مشترک این دانشگاه و مرکز ملی پژوهش‌های علمی است. حوزهٔ پژوهشی او فرهنگ فارسی در آسیای جنوبی و تاریخ علم را در بر می‌گیرد. علاوه بر مقالات متعددی چون "پژوهشی در واژهٔ طب یونانی" و "علم اسلامی در هند"، تصوف، دین و پزشکی در اسلام هند را تألیف و رسالهٔ طلایی در طب منسوب به امام علی بن موسی الرضا و نیز مجمع‌البحرین محمد داراشکوه را ویراسته و منتشر کرده است.

Fabrizio Speziale <fabrizio.speziale@univ-paris3.fr>

قرن هفدهم میلادی در هند فعالیت می‌کرد. او در هند به دنیا آمد و به احتمال فراوان فرزند پزشک ایرانی تبار، حکیم عین‌الملک شیرازی (م. ۱۵۹۵م)، بود که از طرف مادری از اعقاب جلال‌الدین دوانی (م. ۱۵۰۲م)،^۴ فیلسوف و عالم‌الهیات مشهور ایرانی است. عین‌الملک شیرازی در دربار اکبرشاه گورکانی (ح. ۱۵۵۶-۱۶۰۱م)، که نخبگان پزشکی آن بیشتر ایرانی‌تبار بودند، به حرفهٔ پزشکی و چشم‌پزشکی مشغول بود.^۵ مادر نورالدین شیرازی خواهر دو تن از دانشمندان برجستهٔ دربار اکبر، یعنی ابوالفضل علامی (۱۵۵۱-۱۶۰۲م) مورخ، و فیضی (۱۵۴۷-۱۵۹۵م) شاعر دربار بود.^۶

نورالدین شیرازی نیز پزشک دربار شد و پادشاه گورکانی، شاه جهان (ح. ۱۶۲۸-۱۶۵۷م)، لقب پدر او یعنی عین‌الملک را به او بخشید. بعدها و در زمان حکومت اورنگ‌زیب (ح. ۱۶۵۷-۱۷۰۷م)، توانست به بالاترین مقام دیوان بیوتات در شهر آگرا دست یابد.^۷ نورالدین شیرازی آثاری غیرپزشکی هم از خود به جای گذاشت. او نامه‌های ابوالفضل (رقعات شیخ ابوالفضل) و فیضی (لطیفهٔ فیضی) را جمع‌آوری کرد و همچنین، رساله‌ای دربارهٔ آموزهٔ عرفانی توحید با نام مراتب‌الوجود نوشت.^۸ نورالدین شیرازی علاوه بر علاجات داراشکوهی آثار پزشکی دیگری هم به زبان فارسی نوشت. مشهورترین اثرش الفاضل‌الدویه بود که واژه‌نامهٔ داروهاست و آن را در ۱۶۲۸م به شاه جهان تقدیم کرد. در مؤخرهٔ این کتاب به مواد جدیدی که در اوایل دوران مدرن در هند رایج بوده‌اند، از جمله چای، قهوه و چوب چینی، اشاره شده است. الفاضل‌الدویه را پزشکان دوره‌های بعدی هم به خوبی می‌شناختند و در قرن نوزدهم در هند چندین چاپ متفاوت از آن منتشر شد.^۹ دیگر آثار پزشکی شیرازی

Badā'ūnī, *Muntahab al-tawārīḥ*, vol. 3, 229-230.

^۴Hasanī, *Nuzhat al-ḥawātir*, 407.

^۵Munšī Muḥammad Kāzīm, *Ālamgīr-nāme*, eds. Ḥādīm Ḥusayn and 'Abd al-Ḥayy (Calcutta, 1868), 344.

^۶Hasanī, *Nuzhat al-ḥawātir*, 407; Dara Nusserwanji Marshall, *Mughals in India: A Bibliographical Survey* (London: Asia Publishing House, 1967), vol. 1, 13, 144 and 381-382.

^۷Nūr al-Dīn Muḥammad Širāzī, *Alfāz al-adwīya [Ulfāz Udwiyyeh, or the Materia Medica, in the Arabic, Persian, and Hindevy Languages]*, ed. F. Gladwin (Calcutta, 1849 [1st ed; Madras, 1793]).

در هر یک از مدخل‌های این فرهنگ تلفظ صحیح داروها به همراه ریشهٔ خارجی نام آنها نوشته شده است. این اثر را با نام جامع‌الاطباء هم می‌شناسند، اما از نظر بعضی‌ها جامع‌الاطباء اثری دیگر است. بنگرید به

and Persian Manuscripts in the Oriental Public Library of Bankipore (Patna: The Superintendent, Government Printing, Bihar and Orissa, 1927), vol. 9, 27 and 992; C. A. Storey, *Persian Literature: A Bio-bibliographical Survey* (London: The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, 1971), vol. 2, 257, Pt. 2E. ^۸Abd al-Qādir Badā'ūnī, *Muntahab al-tawārīḥ [Muntakhabu-t-tawārīkh]*, eds. G. S. A. Ranking, W. H. Lowe and T. W. Haig (Delhi: Renaissance, 1986), vol. 3, 229.

^۹عین‌الملک در ادارهٔ حکومت مغول‌ها هم پستی به عهده داشت و رساله‌ای منظوم در پزشکی با عنوان فوایدالانسان نوشت و به اکبرشاه تقدیم کرد. بنگرید به Nawāz Ḥān, *Ma'āthir ail-umar [The Ma'āthir-ul-umarā]*, eds. H. Beveridge and B. Prasad (Delhi: Low Price Publications, 1999), vol. 1, 172-173;

عبارت‌اند از انیس المعالجین، مختصری دربارهٔ آسیب‌شناسی و درمان،^{۱۰} و قسطاس‌الاطباء، فرهنگ عربی-فارسی اصطلاحات پزشکی که به امان‌الله‌خان (م. ۱۶۳۷م)، اشراف‌سالار گورکانی و نویسندهٔ آثار پزشکی تقدیم شده است.^{۱۱}

آثار شیرازی موضوع تعدادی از تحقیقات به زبان انگلیسی بوده است و این امر نشان می‌دهد که دانشمندان اروپایی از قدیم به طب هندی و داروهای آن علاقه داشته‌اند.^{۱۲} فرانسویس گلدوین الفاظ‌الادویه را به زبان انگلیسی برگرداند و این اثر در سال ۱۷۹۳م، مدت‌ها پیش از انتشار اولین نسخهٔ چاپی آن به زبان فارسی، در کلکته به چاپ رسید. گلدوین می‌گوید این نوشته را به سفارش هیئت مدیرهٔ بیمارستان فورت ویلیام و برای کمپانی معتبر هند شرقی ترجمه کرده است.^{۱۳} سرگرد دیوید پرایس در سال ۱۸۳۱م قسمت‌هایی از رسالهٔ علاجات داراشکوهی را که به موضوع حواس انسان، بر اساس آثار ناصر خسرو، و روش‌های رایج اندازه‌گیری زمان و مکان در هند اختصاص دارند ترجمه و چاپ کرد. در مقدمهٔ ترجمهٔ پرایس آمده است که «این اثر از نظر اهمیت و عظمت هیچ همتایی ندارد... و نه فقط شامل رساله‌ها یا گفتمان‌های گوناگونی دربارهٔ انواع بیماری‌هاست... بلکه تقریباً هر موضوعی را که در حیطهٔ درک بشر باشد در بر می‌گیرد.»^{۱۴} در این مقدمه، همچنین به نسخه‌ای از علاجات داراشکوهی اشاره شده

زبان‌های یونانی، عربی، ترکی و هندی است. محتوای تشریح‌الادویه ظاهراً شبیه الفاظ‌الادویه است، اما مقدمهٔ این دو اثر با هم تفاوت دارد. بنگرید به منزوی، فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی، جلد ۵، ۳۳۷۶؛

Ahmad Monzawi, *Fihrist-i muštarak-i nushabā-yi ḥaṭṭī-yi fārsī-yi Pākistān* (Islamabad: Iran Pakistan Institute of Persian Studies, 1983), vol. 1, 532.

¹²Mark Harrison, "Medicine and Orientalism: Perspectives on Europe's Encounter with Indian Medical Systems," *Health, Medicine and Empire: Perspectives in Colonial India*, eds. B. Pati and M. Harrison (Delhi: Orient Longman, 2001), 37-87; David Arnold, *Science, Technology and Medicine in Colonial India* (Cambridge: Cambridge University Press, 2000), 65-71.

¹³بنگرید به

Širāzī, *Alfāz al-adwiya*.

¹⁴David Price, "Extracts from the Mualijāt Dārā-Shekohī: Selected and Translated by Major David Price," *Transactions of the Royal Asiatic Society*, 3:1 (1832), 32-56; quote on 32.

Storey, *Persian Literature*, 258;

احمد منزوی، فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲)، جلد ۵، ۳۳۹۰. انیس‌المعالجین بیشتر از طریق نسخه‌هایی چاپی انتشار یافت که در اواخر قرن نوزدهم در هند چاپ می‌شدند. موضوع اصلی این کتاب بیماری‌های مختلف، از سر تا انگشت پا، و روش درمان آنهاست.

Nūr al-Dīn Muḥammad Širāzī, *Anīs al-muʿālījīn* (Kanpur, n.p.).

¹¹این کتاب در سال ۱۰۴۰ق نوشته شد و یکی از فرهنگ‌های اصلی اصطلاحات پزشکی بود که در هند عهد مغول به رشته تحریر در آمد. بنگرید به نورالدین شیرازی، قسطاس‌الاطباء (نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مرکزی رضوی مشهد، ۷۶۷۵). دو اثر پزشکی دیگر را هم به نورالدین شیرازی نسبت داده‌اند که عبارت‌اند از سبب سته رشیدی که دربارهٔ بهداشت و شش اصل سلامت است و همان موضوعی را مطرح می‌کند که علاجات داراشکوهی هم به آن پرداخته است. بنگرید به منزوی، فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی، جلد ۵، ۳۵۰۰; Storey, *Persian Literature*, 258; Altaf Ahmad Azmi, *History of Unani Medicine in India* (Delhi: Hamdard, 2004), 204.

دیگری تشریح‌الادویه است که فرهنگ داروها به

است که چنان که می‌گویند بُرویه، فرانسوی ساکن سورات، برای کتابخانه کینگ آو فرانس تهیه کرده است. این نسخه شاید همان نسخه تذهیب‌شده‌ای باشد که متعلق به کتابخانه پی‌یر دُ بُرویه در سورات بوده و از سال ۱۸۰۲م به اخذ کتابخانه ملی پاریس درآمده است.^{۱۵}

در بین آثار پزشکی اصلی شیرازی، علاجات داراشکوهی آخرین اثری بود که به رشته تحریر درآورد. این رساله جزو جامع‌ترین کتاب‌های راهنمای پزشکی است که در هند در دوران فرمانروایی مسلمانان نوشته شده. الگود، در کتابش با عنوان تاریخ پزشکی در ایران، علاجات داراشکوهی را اثری عظیم می‌شمارد که از نظر حجم، و شاید نه از لحاظ کیفیت، با کتاب قانون ابن سینا یا ذخیره خوارزمشاهی جرجانی برابری می‌کند.^{۱۶} این اثر به نسبت حجم زیادش در زمان کوتاهی نوشته شده. شیرازی نگارش علاجات داراشکوهی را در سال ۱۰۵۲ق/۱۶۴۲م آغاز و چهار سال بعد در سال ۱۶۴۶م آن را به اتمام رسانید. بر اساس ارزش عددی حروف ابجد، عبارت “علاجات داراشکوهی” معادل عدد ۱۰۵۲، یعنی سال آغاز نگارش این اثر به تاریخ هجری قمری، است. شیرازی در این کتاب نیز درست همچون کتاب‌های قبلی‌اش از تجربه‌های پزشکی خود و نیز گزیده‌هایی از آثار علمی نویسندگان قبلی استفاده کرد.^{۱۷} در این مقاله از نسخه‌ای از علاجات داراشکوهی استفاده کرده‌ام که در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می‌شود و از معدود نسخه‌های کامل این رساله است.^{۱۸} این نسخه حدود سه دهه

Medizin (Leipzig, 1910), 64-65.

^{۱۷} رهبر فاروقی، نویسنده اولین تاریخ پزشکی شناخته‌شده هند دوره مسلمانان که به زبان اردو نوشته و در ۱۹۳۸ منتشر شده است، مطلبی از تجربه‌های شخصی شیرازی نقل می‌کند که درباره روغن چشم است. او می‌گوید شیرازی دستور ساخت این روغن را از شاه جهان یاد گرفته و به مدت چهارده سال از آن استفاده کرده است. بنگرید به

Mu'in al-Din Rahbar Fārūqī, *Islāmī Tibb Šāhānah Sarparsīyūn Men* (Hyderabad, 1999), 113.

^{۱۸} برای اطلاع از نسخه‌های خطی دیگر این اثر بنگرید به Blochet, *Catalogue des Manuscrits*, 103-104; Wladimir Ivanow, *Concise Descriptive Catalogue of Persian Manuscripts in the Collection of the Asiatic Society of Bengal* (Calcutta: Asiatic Society of Bengal, 1985), 724; Abdul Muqtadir, *Catalogue of the Arabic and Persian Manuscripts*, 25-26; Amrit Lal Ishrat, *A Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Banaras Hindu University Library* (Varanasi: Banaras Hindu University, n.d.), 164; Azeez M. Pasha,

در بخش اندازه‌گیری زمان توضیحی هم درباره واحد اندازه‌گیری پهر آمده است؛ واحدی معادل سه ساعت برای اندازه‌گیری زمان در هند که در دستورالعمل‌های داروشناسی آثار هندی-فارسی کاربرد داشته است. بنگرید به

Price, “Extracts from the Mu'alijāt Dārā-Shekoḥī,” 54.

^{۱۵} به گفته بلوشه، این نسخه (در سه مجلد علوم پزشکی ضمیمه فارسی ۳۴۲، ۳۴۲ ب، ۳۴۲ الف) که بین سال‌های ۱۷۷۸-۱۷۷۹م نوشته شده است و یکی دو صفحه اول را ندارد، به بیژن جیو، پزشک هندی، تقدیم شده است. بنگرید به

Edgar Blochet, *Catalogue des Manuscrits Persans de la Bibliothèque Nationale* (Paris: Impr. nationale, 1912), vol. 2, 104.

بیژن جیو زرتشتی و پدرش اهل سورات بود.

^{۱۶} Cyril Elgood, *A Medical History of Persia* (Cambridge: Cambridge University Press, 1951), 373; Lucien Leclerc, *Histoire de la Médecine Arabe* (Paris, 1876), vol. 2, 332-334; Adolf Fonahn, *Zur Quellenkunde der Persischen*

بعد از نگارش اثر استنساخ شد و قدیمی‌ترین نسخه موجود علاجات داراشکوهی است.^{۱۹}

نسخه‌هایی از این اثر با نقاشی‌های مینیاتور و نمودار مصور شده‌اند. بیشتر این نقاشی‌ها تصاویری از بدن انسان‌اند و نقطه‌هایی از بدن را نشان می‌دهند که می‌توان بر روی آنها عمل بادکش، سیاهرگ‌بری و کوتر صورت داد. نسخه‌ای از این اثر که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود و پیش‌تر به آن اشاره کردیم نیز شامل نقاشی مینیاتوری‌ای است که پزشکی را در حال انجام عمل تنقیه بر روی بیماری نشان می‌دهد که دراز کشیده. در قسمت داروها تصاویری رنگی از حیوانات در حاشیه‌ها کشیده شده است.^{۲۰} نسخه موجود در کتابخانه مجلس شامل دو نمودار است که فرایند چشم و بصر را توصیف می‌کند.^{۲۱}

یکی از ویژگی‌های مهم علاجات داراشکوهی اشتغال آن بر اطلاعات پزشکی هند است و این امر نه فقط منعکس‌کننده محیط فرهنگی‌ای است که این اثر در آن نوشته شده،

کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران: مجلس شورای ملی، ۱۳۵۰)، جلد ۱۹، ۲۰۲. من فقط میکروفیلم این نسخه خطی (شماره ۶۲۹۳) را مشاهده کرده‌ام.
^{۲۰} برای مشاهده بعضی از تصاویر نسخه موجود در کتابخانه ملی فرانسه، از جمله همان تصویر عمل تنقیه، بنگرید به

Fabrizio Speziale, "La Medicina Greco-Araba in India," in *Cina, India, Americhe: Storia Della Scienza* (Rome: Istituto della Enciclopedia Italiana, 2001), vol. 2, 921-926; quote on 925 and 927.

همچنین بنگرید به

Fabrizio Speziale, "L'art médical à la cour moghole : l'encyclopédie de médecine de Shirāzi, dédiée au Prince Dārā Shukoh"

که در ۱۹ مارس ۲۰۰۹ در یازدهمین روز جهان ایرانی در پاریس در موزه ملی تاریخ طبیعی ارائه شد. دسترس‌پذیر در

http://semioweb.msh-paris.fr/corpus/aar/FR/_video.asp?id=1665&ress=6058&video=128738&format=68.

^{۲۱} نسخه کتابخانه مجلس، صفحات ۱۶۰ و ۱۶۳. در نسخه موجود در کتابخانه مجلس هم تصاویری از بدن انسان کشیده شده است. بنگرید به صفحه ۵۲۲، قسمت‌هایی از بدن که می‌توان عمل بادکش را روی آنها انجام داد. با این همه، بیشتر آنها ناقص‌اند و بعضی از صفحه‌ها هم خالی‌اند که به احتمال زیاد به این سبب است که قصد داشته‌اند تصاویری دیگر بدان اضافه کنند.

Union Catalogue of Arabic and Persian Medical Manuscripts in the Libraries of Hyderabad (Hyderabad: Upgraded Dept. of History of Medicines, Osmania Medical College, 1966), 43; Fateme Keshavarz, *A Descriptive and Analytical Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the Wellcome Institute for the History of Medicine* (London: The Wellcome Institute for the History of Medicine, 1986), 113; Wiqār Şiddiqi, *Fibrīst-i Nuşabbā-yi Ḥattī-yi Fārsī-yi Kitābhāna-yi Rażā* (Rampur, 1996), vol. 1, 414; A. Rahman, et al., *Science and Technology in Medieval India: A Bibliography of Source Materials in Sanskrit, Arabic and Persian* (Delhi: Indian National Science Academy, 1982), 164-165; A. H. Nizami, *Catalogue of Persian Manuscript and Records in the Shri Raghbir Library Sitamau* (New Delhi: Indian Council for Historical Research, 1993), 226-227.

و پنج نسخه موجود در کتابخانه‌های پاکستان که منزوی به آنها اشاره کرده است.

^{۱۹} تاریخ چاپ این نسخه روز پنجشنبه ۲۵ محرم ۱۰۸۹/ق ۱۹ مارس ۱۶۷۸م است. این نسخه خطی (شماره ۶۲۲۶) ۱۵۷۴ صفحه دارد (۷۸۷ برگ) و محمد، وزیر حلفی حکیم محمد اعلم کشمیر، آن را در هند در اکبرآباد (اگر) منتشر کرد. محل و تاریخ چاپ این نسخه را نسخه‌نویس آن در صفحه ۱۵۷۳ نوشته است. برای اطلاع بیشتر درباره توصیف ظاهری این نسخه بنگرید به عبدالحسین حائری، فهرست

بلکه نشان‌دهنده گسترده‌تر شدن مطالعات پزشکی هندوفارسی نیز هست. شاهزاده گورکانی، داراشکوه، که این اثر به او تقدیم شده است، به داشتن تمایلات عرفانی مشهور بود و او نیز همچون دیگر صوفیان هندی علاقه فراوانی به آموزه‌های اصیل هندی داشت. داراشکوه از ترجمه فارسی اپانیشادها، با عنوان سرّ اکبر، حمایت کرد و اثری با اسم مجمع‌البحرین (۱۶۵۵م) نوشت، که مطالعه تطبیقی مهمی به زبان فارسی درباره اصول فلسفی و عرفانی مسلمانان و سنت‌های هندوان است.^{۲۲}

در بین اقوام شیرازی، شخصیت‌های برجسته‌ای بودند که در جنبش فرهنگی مطالعاتی فارسی که به آثار هندی می‌پرداخت فعالیت داشتند. در سال ۹۹۵م، فیضی کتاب ریاضیات لیلوتی را که نوشته ریاضی‌دان هندی، بهاسکرا، بود و به حساب و هندسه می‌پرداخت از روی متن سانسکریت آن ترجمه و به اکبرشاه تقدیم کرد. همچنین، رساله‌ای درباره مباحث فلسفی ودانتا با عنوان شارق‌المعرفة نوشت که در آن از مقوله‌های فلسفه اشراق نیز بهره برده بود.^{۲۳} فیضی همچنین در زمره دانشمندانی بود که اکبر به آنها دستور داده بود اتهروویدا را ترجمه کنند، اما ظاهراً این پروژه به اتمام نرسید.^{۲۴} ابوالفضل مقدمه‌ای بر ترجمه مجموعه مهابهاراتا، که به دستور اکبر انجام شده بود، نوشت و در آیین اکبری اطلاعات مهمی درباره سنت‌های هند در اختیار خوانندگان اثرش قرار داد.^{۲۵}

مشخصه فرهنگ پزشکی در هند عهد گورکانی تولید متن‌های فارسی درباره طب هندی و موضوعات مرتبط به آن بود.^{۲۶} این پژوهش‌ها از "دوران سلطنت" در هند آغاز شد و تا دوره استعمار، که طی آن به زبان اردو نیز آثاری درباره طب هندی نوشته می‌شد، ادامه

جزو منابع علاجات داراشکوهی است. برای اطلاعات بیشتر درباره بخشی از علاجات داراشکوهی که به واحدهای اندازه‌گیری رایج در هند می‌پردازد و در آن اشاره‌ای شده است به یکی از واحدهای اندازه‌گیری فاصله با نام کارو، که توصیفش در آیین اکبری آمده است، بنگرید به

Price, "Extracts from the Mualijāt Dārā-Shekohī," 55; Allāmī Abū al-Faẓl, *Ā'in-i Akbarī [The Ā'in-i Akbarī]*, eds. H. Blochmann and H. S. Jarrett (Delhi: Low Price Publications, 2001), vol. 2, 417-418. (1st ed. Calcutta, 1868-1894).

^{۲۶} بنگرید به

Fabrizio Speziale, "Les Traités Persans sur les Sciences Indiennes : Médecine, Zoologie, Alchimie," in *Muslim Cultures in the Indo-Iranian World*, 403-447.

^{۲۲} برای اطلاعات بیشتر درباره سرّ اکبر و نویسنده اصلی آن بنگرید به

Svevo D'Onofrio, "A Persian Commentary to the Upaniṣads: Dārā Šikōh's Sirr-i Akbar," in *Muslim Cultures in the Indo-Iranian World during the Early-Modern and Modern Periods*, eds. D. Hermann and F. Speziale (Berlin: Institut Français de Recherche en Iran - Klaus Schwarz Verlag, 2010), 533-562.

^{۲۳} برای اطلاعات بیشتر درباره شارق‌المعرفة بنگرید به Carl W. Ernst, "Muslim Studies of Hinduism? A Reconsideration of Arabic and Persian Translation from Indian Languages," *Iranian Studies*, 36:2 (2003), 184.

^{۲۴} Badā'ūnī, *Muntaḥab al-tawārīḫ*, vol. 2, 216.

^{۲۵} آیین اکبری، که سومین بخش اکبرنامه است، نیز

داشت. تولید متن‌های فارسی و اردو درباره طب و علوم هندی را باید یکی از پیکره‌های اصلی تحقیقاتی علمی دانست که در دنیای اسلام صورت می‌گرفت و موضوع مرکزی آن سنتی بود که به دوره پیش از اسلام مربوط می‌شد. چنین تولیداتی را بی‌شک باید مهم‌ترین پیکره تحقیقات علمی اوایل دوران مدرن و دوران مدرن دانست. انگیزه اصلی تحقیق در حوزه طب و داروشناسی هندی ملاحظات عملی، از جمله پیدا کردن جایگزین‌هایی بومی برای داروهای خارجی، بود. بنابراین، تحقیق درباره راهنمای دارویی هند ابزاری برای سازگار کردن پزشکان مسلمان پیرو مکتب ابن‌سینا با شرایط محلی به حساب می‌آمد. نویسندگان آثار فارسی درباره طب هندی معاصر شیرازی، از جمله امان‌الله‌خان، مترجم مدناوینودا، بودند.^{۲۷} آنان بعضی از این آثار را به اسم اورنگ‌زیب نیز نام‌گذاری می‌کردند که از آن جمله است طب اورنگ‌شاهی نوشته درویش محمد، پیرو فرقه چشتیه، که کتاب راهنمای جامعی درباره طب هندی است. علاوه بر این، دانش هندی که در بعضی متن‌های فارسی می‌آمد عمدتاً به طب ابن‌سینایی اختصاص داشت. از جمله این متون می‌توان به علاجات داراشکوهی اشاره کرد. علاجات داراشکوهی را می‌توان یکی از مهم‌ترین آثاری دانست که هم‌زمان به ویژگی‌های فن پزشکی مسلمانان و هندیان می‌پردازد. یکی دیگر از ویژگی‌های عقلانی مهم علاجات داراشکوهی استفاده از ترکیبی از انواع مذهبی و غیرمذهبی سنت‌های پزشکی اسلام است. نورالدین شیرازی در این کتاب علاوه بر اینکه تعدادی از احادیث حضرت محمد را نقل می‌کند، نامی هم از پیامبران و امامان پیش از اسلام می‌آورد و به خصوص اشاره‌ای هم به رساله الذهبیه فی طب می‌کند که رساله‌ای پزشکی و منسوب به امام هشتم شیعیان، علی بن موسی الرضا است.^{۲۸}

علاجات داراشکوهی به شاهزاده‌ای صوفی مسلک تقدیم شده است و یکی از چارچوب‌های اصلی این کتاب را سنت‌های مذهبی اسلام و نیز سنت‌هایی اسلامی تشکیل می‌دهد که به علوم خفیه می‌پردازند. علاوه بر این، شیرازی در این کتاب بحثی هم درباره تمرین‌های تنفسی جوکی‌ها (مرتاض‌ها) مطرح می‌کند. به‌قطع نمی‌توانیم بگوییم که شیرازی به فرقه‌ای صوفی وابستگی داشته است، اما چنان که از کتاب مراتب‌الوجود او برمی‌آید، ظاهراً ارتباط نزدیکی با مکاتب تصوف داشته که مورد حمایت داراشکوه

داشت و مسلماً همین گرایش عمومی بود که باعث شد شیرازی قسمتی از کتابش را به این رساله اختصاص دهد. ترجمه فارسی نه چندان کاملی که شیرازی از این اثر در علاجات داراشکوهی می‌آورد، ظاهراً در بین ترجمه‌های این دوران جزو نخستین ترجمه‌ها

^{۲۷} مدون هند فرهنگ لغت داروها و غذاهاست که در سال ۱۳۷۵ق به دستور رجا تألیف شد. عنوان ترجمه امان‌الله دستورالهند بود.
^{۲۸} در آن دوران، در ایران که تحت حکومت صفویان بود، گرایشی عمومی به ترجمه و تفسیر رساله الذهبیه وجود

بوده است. نورالدین شیرازی در عللجات داراشکوهی به دانش تصوف و به خصوص به فصوص الحکم ابن عربی (م. ۱۲۴۰م) نیز اشاره می‌کند. مفاهیم عرفانی و کیهان‌شناختی مطرح در مراتب الوجود، که رساله‌ای درباره وحدانیت ذات الهی است، نشان می‌دهند که شیرازی پیرو مکتب وحدت وجود بوده است.^{۲۹} مکتب متافیزیکی وحدت وجود که ابن عربی آن را مطرح کرده است، در هند و به خصوص در بین فرقه‌های چشتیه و قادریه رایج بوده و باید ذکر کنیم که مکتب قادریه از حمایت سخاوتمندانه داراشکوه برخوردار بوده است. این نکته نیز حائز اهمیت است که در هند، پزشکان در اصول عرفانی نیز مهارت داشتند، درست همان‌گونه که شیرازی در این خصوص مهارت داشت و این موضوع پدیده‌های استثنایی به حساب نمی‌آید. ارتباط بین فرقه‌های تصوف و فرهنگ پزشکی در هند اهمیت بسیاری داشت و مهم‌ترین آثار فارسی که به طب ابن‌سینایی و طب هندی می‌پرداختند به همت پزشکان مسلمان هند که پیشینه مذهبی و صوفیانه داشتند به رشته تحریر درمی‌آمد.^{۳۰} از جمله پژوهش‌های فارسی مهمی که به طب هندی پرداخته‌اند می‌توان از طب اورنگ‌شاهی نام برد که قبلاً به آن اشاره شد.

در خصوص ارتباط بین فرهنگ پزشکی هند و فرقه قادریه می‌توان به دو کتاب اشاره کرد: طب قادری، کتاب راهنمای پزشکی که به دستور شاه جهان^{۳۱} و به همت ابوحلیم نوشته شد و کتاب قرابادین قادری (۱۷۱۸م)، اثر محمداکبر ارزانی (م. ۱۷۷۲م) که به یکی از رایج‌ترین راهنماهای دارویی فارسی در شبه‌قاره هند تبدیل شد. هر دو اثر نیز به عبدالقادر گیلانی (۱۰۷۸-۱۱۶۶م)، سرسلسله فرقه قادریه، تقدیم شده‌اند. اما در عللجات داراشکوهی رابطه بین فرهنگ پزشکی و عالم عرفان فراتر از چیزی است که در آثاری مثل قرابادین قادری به چشم می‌آید. در قرابادین قادری، این رابطه صرفاً رابطه‌ای سمبولیک است و فقط به این محدود است که اثر به رهبر فرقه قادریه تقدیم شده است. در حالی که شیرازی درصدد است ترکیبی حقیقی از عقاید عرفانی و فلسفی به دست دهد که به خصوص در مقدمه کتاب کاملاً آشکار است. عللجات داراشکوهی نمونه مهمی

بوده است و اولین نسخه فارسی شناخته‌شده از این اثر در ایران عصر صفوی ترجمه‌ای است با عنوان تحفة صحیح عباسی که محمد ناصر به رشته تحریر در آورده و به شاه عباس دوم (ح. ۱۶۴۲-۱۶۶۶م) تقدیم کرده است. برای اطلاع از رساله الذهبیه و ترجمه‌های فارسی آن بنگرید به

^{۲۹} بنگرید به نورالدین شیرازی، مراتب الوجود (میکروفیلم ۷۲۳/۱ دانشگاه تهران).

^{۳۰} برای اطلاع از رابطه بین فرقه‌های تصوف و مطالعات پزشکی در هند بنگرید به

Fabrizio Speziale, *Soufisme, Religion et Médecine en Islam Indien* (Paris: Éditions Karthala, 2010).

^{۳۱} بنگرید به

Monzawī, *Fibrīst-i muštarak-i nushabā-yi ḥaṭṭī-yi fārsī-yi Pākistān*, vol. 1, 630.

Fabrizio Speziale, "La Risāla al-Dahabiyya, Traité Médical Attribué à l'Imam 'Alī al-Rizā," *Luqman: Annales des Presses Universitaires d'Iran*, 20:2 (2004), 7-34.

از رساله‌های پزشکی است که از عناصر فلسفی عرفان الهام می‌گیرند. لازم به یادآوری است که شیرازی هم‌عصر اصلی‌ترین دانشمندان مکتب ایرانی اصفهان بود؛ مکتبی که بر نقش حکمت (عرفان فلسفی) تأکید می‌کرد و آثار آن خیلی زود در هند رواج پیدا کرد و تأثیر بسزایی بر مطالعات بومی گذاشت.

شیرازی به پیروی از آثار پزشکی دیگر نویسندگان مسلمان هند در ابتدای کتابش حدیث معروف حضرت محمد را می‌آورد که علم بر دو قسم است؛ علم جسم، یعنی طب، و علم دین. سپس فهرست کاملی از مراجعی به دست می‌دهد که در تألیف کتاب از آنها بهره برده است.^{۳۲} این فهرست شماری از شخصیت‌های برجسته پزشکی پیش از اسلام را عرضه می‌کند که از جمله آنها می‌توان به جالینوس، بقراط، ارسطو، اریباسیوس و بولس اجینا اشاره کرد. شیرازی از بین پزشکان دوره اسلامی از شخصیت‌هایی چون بختیشوع، یوحنا بن سرابیون، یوحنا بن ماسویه، حنین بن اسحاق، محمد بن زکریای رازی و ابن سینا یاد می‌کند و از بین نویسندگان جدیدتر از عمادالدین محمود شیرازی، پزشک ایرانی تبار، نام می‌آورد. نورالدین شیرازی از چند کتاب پزشکی نام می‌برد، از جمله رساله الذهبیه منسوب به امام رضا که از آن به اسم طب امام رضا یاد می‌شود، موجز القانون فی الطب اثر ابن النفیس، تقویم الابدان فی تدبیر الانسان اثر ابن جزلة، ذخیره خوارزمشاهی و الاغراض الطیبه و المباحث العلانیة اثر اسماعیل جرجانی، اغذیه المرضی اثر نجیب‌الدین سمرقندی، اختیارات بدیعی اثر زین‌الدین علی بن الحسن الانصاری، کفایة منصورى اثر منصور بن الیاس و تحفه خانی اثر محمدبن محمد عبدالله.^{۳۳} از دیگر منابع او می‌توان به دایرةالمعارف علوم طبیعی، دانشنامه جهان، اثر قیاس‌الدین اصفهانی و اثری معروف از قزوینی با عنوان عجائب المخلوقات اشاره کرد.

در این کتاب‌نامه، فهرستی از آثار نویسندگان مسلمان هند نیز آمده است که از انتشار این آثار در بین پزشکان دوره‌های بعدی حکایت می‌کند. برخی از جمله این آثار هندی-فارسی عبارت‌اند از اثری با نام شفای خانی که احتمالاً همان کتاب شفای خانی است که شهاب‌الدین بن عبدالکریم ناگوری^{۳۴} در ۱۳۹۲م به رشته تحریر درآورده است، اثری با عنوان شهبای که به احتمال فراوان همان مثنوی پزشکی طب شهبای است که این

^{۳۲} بعضی از کتاب‌هایی هم که در اینجا به آنها اشاره کرده‌ام، فقط در نسخه پاریس آمده‌اند.
^{۳۳} او در شیراز از شاگردان عمادالدین محمود شیرازی بود.
^{۳۴} پزشک دربار که در دوره سلطنت مظفریان گجرات فعالیت می‌کرد. این اثر به سلطان مظفرشاه (م. ۱۴۱۱م) تقدیم شده است.

^{۳۳} این فهرست منابع به همت بلوشه ویرایش شده است، اما با کتاب‌نامه نسخه مجلس در صفحه ۳ تا حدی متفاوت است. در نسخه مجلس، به بعضی از کتاب‌هایی که در نسخه کتابخانه ملی فرانسه آمده اشاره نشده است. بنگرید به Blochet, *Catalogue des Manuscrits*, 103-104.

اثر نیز به همت شهاب‌الدین عبدالکریم ناگوری در ۱۳۸۸م نوشته شده و اثری با عنوان طب سکندری که با قاطعیت می‌توان گفت همان کتاب معدن‌الشفای سکندرشاهی نوشته میان بهوا بن خواص خان است که مختصری است درباره طب هندی به زبان فارسی که به سکندر لودی (ح. ۱۴۸۹-۱۵۱۷م)، از سلاطین دهلی، تقدیم شده است. همچنین، اثری با اسم میزان‌الطبایع که شاید همان میزان‌الطبایع قطب‌شاهی باشد که رساله‌ای داروشناختی است که به همت تقی‌الدین محمد مدتی پیش از علاجات داراشکوهی تألیف شده است.^{۳۵} علاوه بر آنچه گفته شد، آثار هندی-فارسی دیگری هم در این کتاب‌نامه آمده‌اند که عبارت‌اند از طب یوسفی اثر یوسف بن محمد، پزشک دربار دو پادشاه اول امپراتوری گورکانی هند؛ کتاب لذات النساء، ترجمه فارسی رساله هندی کوک شاسترا (رتی رهسی) نوشته پاندیت کُکک است که به مسائل جنسیت‌شناسی می‌پردازد؛ طب بدن بنود هندی، رساله‌ای پزشکی به زبان هندی که نویسنده آن مشخص نیست و همچنین اکبرنامه اثر ابوالفضل. شیرازی در این فهرست همچنین از کتاب‌های خود یعنی فرهنگ اصطلاحات پزشکی قسطاس الاطباء و الفاظ الادویه یاد می‌کند.^{۳۶} نورالدین در فصل‌های متفاوت علاجات داراشکوهی به کتاب‌های دیگری هم اشاره می‌کند که در این کتاب‌نامه نامی از آنها نیامده است، مثل کتاب الفصول نوشته بقرات و کتاب الشفاء اثر ابن‌سینا.

علاجات داراشکوهی به سه بخش کلی تقسیم می‌شود: مقدمه (مفتاح)، ده فصل (گفتار) و مؤخره (خاتمه).^{۳۷} اولین بخش این کتاب شامل مقدمه‌ای طولانی است که به چهل‌ودو فصل (مقاله) تقسیم می‌شود.^{۳۸} بیشتر بحث‌هایی که در این قسمت آمده‌اند معمولاً در کتب پزشکی دیگر یافت نمی‌شوند. برای مثال، نویسنده در فصل اول ابتدا از تولد حضرت آدم و اینکه پدر و مادری نداشته است می‌گوید و بیان می‌کند که هرچند این موضوع ارتباطی به طب بدن (طب‌الابدان) ندارد، باید آن را شرح داد. در واقع، هدف شیرازی این است که ترکیبی از اصول فلسفی، طبیعی، کیهان‌شناختی و مذهبی اسلام عرضه کند. حتی ابن‌سینا هم در کتاب قانون در مقدمه‌ای که بر دانش پزشکی نوشته تا این اندازه به مسایل فلسفی نپرداخته است. در قسمت مقدمه (مفتاح) علاجات داراشکوهی مسایل گوناگونی مطرح می‌شود که دامنه آن از ماهیت جسمی و روحی انسان شروع

^{۳۵} این اثر به سلطان محمد قطب‌شاه (ح. ۱۶۱۲-۱۶۲۶م)، از سلاطین گلکند، تقدیم شده است.
^{۳۶} الفاظ الادویه یکی از کتاب‌هایی است که در کتاب‌نامه نسخه مجلس نیامده است.
^{۳۷} فهرست موضوعی کامل این کتاب در نسخه دستنویس کتابخانه مجلس از صفحه ۸ تا ۲۹ نوشته شده است.
^{۳۸} از صفحه ۲۹ تا ۱۸۸ نسخه کتابخانه مجلس.

می‌شود و تا رابطه بین عالم صغیر (انسان) و عالم کبیر (جهان)، عالم سیارات و گردش آنها و همچنین نظریه عناصر چهارگانه و نظریه کیفیات چهارگانه (گرم، سرما، رطوبت، خشکی) کشیده می‌شود. علاوه بر این، شیرازی به موضوعات دیگری از جمله شکل‌گیری کوه‌ها، سنگ‌های قیمتی، فلزات، گیاهان و حیوانات نیز می‌پردازد.

شیرازی در این مقدمه چندین بار به اصول علمی و فلسفی دایره‌المعارف رسائل اخوان الصفاء اشاره می‌کند. او در این کار از یکی از نسخه‌های فارسی خلاصه‌شده رسائل اخوان الصفاء با نام مجمل‌الحکمه استفاده می‌کند. در فصل (مقاله) سیزدهم این مقدمه، گزیده‌ای از طب امام رضا آمده است که کل مقدمه رساله الذهبیه را به زبان فارسی بازگو می‌کند. بر اساس این بحث، بدن به مملکتی تشبیه می‌شود که پادشاه آن دل (قلب) است.

فصول (مقالات) مقدمه علاجات داراشکوهی جزییاتی درباره ماهیت روحی و شناختی انسان به دست می‌دهند. شیرازی بحث رکنی نفس را مطرح می‌کند و به‌خصوص بر توصیف نفس ناطقه یا روح عقلانی تأکید می‌کند. او به شرح انواعی از دانش بشری از جمله علم، معرفت، حکمت و ادراک می‌پردازد و اطلاعاتی درباره احوال مختلف انسان همچون شهوت، غضب، خوف و عشق عرضه می‌کند.^{۳۹} مقاله سی‌ونهم این مقدمه در هفت بند به توصیف فرایند دید یا بصر می‌پردازد و این فرایند را با نمودار توضیح می‌دهد. شیرازی در فصل بعدی به نظریه حواس ظاهری و حواس باطنی می‌پردازد و در واقع آنچه را ناصر خسرو (م. ۱۰۸۸م)، از دانشمندان مکتب اسماعیلی، در زادالمسافرین درباره این موضوع بیان کرده است خلاصه می‌کند.^{۴۰} فصل سی‌وپنجم و دو فصل بعدی آن به عالم غیب می‌پردازند و آموزه‌هایی در خصوص اطلاع از عالم غیب در خواب و بیداری عرضه می‌کنند. فصل بعدی به شرح تجلی رویدادهای شگفتی (غرائبی) چون معجزات پیامبران، کرامات قدیسان و نیز شرح رویدادهای مرتبط با جادو و طلسم اختصاص داده شده است.

فصل اول کتاب علاجات داراشکوهی به شش بند تقسیم می‌شود که اسرار نامیده می‌شوند. در بند اول، تعریفی کلاسیک از حوزه پزشکی عرضه می‌شود و علاوه بر این، حوزه پزشکی به دو بخش علمی و عملی تقسیم می‌شود. سپس، نویسنده به توصیف مفاهیم بنیادی فیزیولوژی این سینایی می‌پردازد. او ابتدا نظریه ارکان و اخلاط را مطرح می‌کند و سپس شکل‌گیری قوت‌ها، افعال و ارواح را شرح می‌دهد. شیرازی در بخشی

^{۳۹} فصلی که به موضوع عشق می‌پردازد آخرین بخش می‌پردازند. بنگرید به Price, "Extracts from the Mualjāt Dārā-Shekohī," این مقدمه است.

^{۴۰} در این قسمت مطالبی هم از دو فصل ابتدایی کتاب زادالمسافرین آمده است که به موضوع گفتار و نوشتار

از کتابش که به موضوع اخلاط و طبایع بدن اختصاص دارد، باز هم از رساله الذهبیه بهره می‌برد و به قسمتی از این رساله اشاره می‌کند که به رابطه اخلاط با چهار قسمت مختلف از بدن می‌پردازد. شیرازی در بندی دیگر از این فصل بار دیگر به رساله الذهبیه اشاره می‌کند و این بار به قسمتی از این رساله می‌پردازد که موضوع آن چهار دوره مختلف در زندگی و خلط غالب در هر دوره است. خلط غالب در اولین دوره زندگی انسان خون است، در مرحله دوم صفراست، در دوره سوم زندگی که به دوره خردمندی (وقت علم) معروف است، سوداء است و در دوره چهارم بلغم است.

فصل دوم به تشریح اعضا و استخوان‌ها اختصاص دارد و به هشت بند (اسرار) تقسیم می‌شود که به قسمت‌های متفاوت بدن می‌پردازند. فصل سوم، در سیزده بند (اسرار)، به مسائل رایج ادبیات پزشکی می‌پردازد. بند اول درباره "تندرستی و بیماری و انواع آن" است و بند دوم توصیفی از مراحل بحرانی بیماری، "روزهای بحران"، به دست می‌دهد و بند سوم به شش رکن ضروری سلامت و جماع، "سته ضروری و جماع"، می‌پردازد. سپس، در ادامه به قسمتی از کتاب می‌رسیم که به علوم دیگری غیر از علم پزشکی اختصاص دارد. بند چهارم به علم موسیقی می‌پردازد و خود به دوازده قسمت (سرود) تقسیم می‌شود. شیرازی در اینجا به یکی از پیامبران پیش از اسلام، یعنی داوود، که با هنر موسیقی آشنایی داشته است، اشاره می‌کند و از خواص درمانی موسیقی می‌گوید. او از رابطه بدن با اخلاط حرف می‌زند و شرح می‌دهد که موسیقی در درمان بیماری‌ها و به خصوص بیماری‌های روحی و مغزی از جمله بیماری عشق، جنون، التهاب مغز، مالیخولیا و سکنه مغزی ضروری است. قسمت (سرود) هفتم رابطه بین مقامات موسیقی و اجرام آسمانی، فصل‌های سال و هفت روز هفته را توصیف می‌کند. فصل هشتم به نسبت این مقامات با اقلیم‌های هفت‌گانه، مناطق (دیار) و اقوام گوناگون زمین می‌پردازد. قسمت (سرود) نهم فقط به موسیقی هندوستان (راگ هندوستان) اختصاص دارد. بندهای دیگر فصل سوم به تعدادی از علوم دیگر اختصاص داده شده است که برای دانش پزشکی مفید به حساب آورده می‌شدند و از جمله آنها به خصوص می‌توان به نجوم، حساب و مقدمات هندسه اشاره کرد.

شیرازی چند فصل بعدی را به اصول و روش‌های تشخیص بیماری اختصاص می‌دهد. فصل چهارم، "اسباب بیماری و علائم آن"، به علت بیماری‌ها و علائم آن می‌پردازد و به چهار بند (اسرار) تقسیم می‌شود که بند سوم، "علامات قیافه" درباره تشخیص بیماری از روی نشانه‌های چهره فرد است. فصل پنجم، "در بیان انفاس و بیان نبض و احوال آن"،

درباره تشخیص از روی نبض است و به نُه بند (اسرار) تقسیم می‌شود که بند آخر آن به دانش پزشکان هندی می‌پردازد. فصل بعدی در چهارده بند قوانین تشخیص بیماری از روی ادرار (احوال بول) را شرح می‌دهد.

فصل هفتم علاجات داراشکوهی درباره تدابیر حفظ صحت است و به ده بند (اسرار) تقسیم می‌شود. بند اول، "تدابیر عادات"، به تدابیر مربوط به تنظیم رفتار اختصاص دارد. بند دوم، "تدابیر حرکات و سکون و حال‌ها و وقت‌ها"، درباره تدابیر مربوط به تنظیم حرکت سکون و اوقات است و به چهار قسمت تقسیم می‌شود که قسمت سوم آن، "تدابیر مسافران"، به مسائل پزشکی مسافران می‌پردازد و بحثی جداگانه در خصوص سفرهای دریایی را نیز شامل می‌شود. فصل سوم، "تدابیر ماکول و مشروب"، تدابیری در خصوص خوردن و آشامیدن بیان می‌کند و به بخش‌های متفاوتی تقسیم می‌شود که به خواص خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های گوناگون می‌پردازند. اولین بخش آن به دوازده قسمت (ماکول) تقسیم می‌شود که آخرین قسمت آن، "اغذیه مستعمل اطباء هند"، به غذاهایی اختصاص دارد که پزشکان هندی مصرف می‌کنند. بند چهارم، که به شانزده قسمت (مشروب) تقسیم می‌شود، به نوشیدنی‌ها، خواص آنها و طرز تهیه محصولات از جمله فقاق (نوشیدنی مرکب از آب و جو)، عرقیات، مرباجات، سکنجبین، لعوقات (نوعی داروی خمیری مکیدنی) و نقوعات یا جوشانده‌ها می‌پردازد. در این فصل موضوعات دیگری نیز مطرح می‌شود، مثلاً بند هفتم، "اختیار خواب و بیداری"، درباره تدابیر مربوط به خواب و بیداری در فصول متفاوت سال است. بند آخر به مسائلی چون تخلیه روده، ادویه مسهل، داروهای استفراغ‌آور و تنقیه می‌پردازد و به یازده قسمت (کار) تقسیم می‌شود.

فصل هشتم، "استحمام"، به موضوع حمام ترکی و اقداماتی می‌پردازد که در جراحی‌های کوچک انجام می‌شود. این فصل به هفت بند (اسرار) تقسیم می‌شود که اولین بند آن، "استحمام"، به قوانین مربوط به پاکیزگی اختصاص دارد. بند دوم، "فصد"، درباره عمل رگ‌بری است و بند سوم درباره حجامت. بند چهارم راجع به زالودرمانی و بند بعدی درباره عمل سوزاندن یا داغ کردن است. فصل نهم، "در بیان علاج بیماران از سر تا قدم"، درباره درمان بیماری‌ها از سر تا پاست و به چهل بند (اسرار) تقسیم می‌شود که خود به قسمت‌های گوناگون بسیاری تقسیم می‌شوند. نویسندگان در این فصل روش‌های درمانی تعدادی از پزشکان معروف را بیان می‌کند و در مواقع بسیاری به عقاید پزشکان هندی رجوع می‌کند. در بخشی که به بیماری سیفیلیس (نار فرنگی، آتیشک) اختصاص دارد، می‌توان شاهد ارتباط با دنیای غرب بود و علاوه بر این، در این بخش اشاره‌ای هم به

چوب چینی می‌شود. بند سی و نهم، "علاج سمیات"، درباره روش‌های از بین بردن سم در بدن است و تعدادی پادزهر (ترقیات) معرفی می‌کند. فصل آخر کتاب، فصل دهم، "در علاج صبیان و کودکان"، به موضوع آسیب‌شناسی و درمان بیماری‌های کودکان و نوزادان اختصاص دارد.

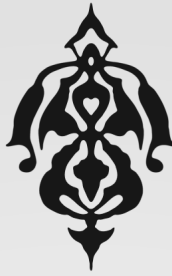
مؤخره طولانی کتاب تحت عنوان "خاتمه" بیشتر به موضوع داروشناسی، "در ذکر قرآبدین"، می‌پردازد و به چهل‌ویک بند تقسیم می‌شود. نویسنده در این مؤخره شرح مفصلی از مسایلی چون مواد و ترکیب‌های فلزی و معدنی، اکسیرها، داروهای خمیری جیوه‌ای و روش‌های شیمیایی مثل کلسیناسیون یا تکلیس به دست می‌دهد. بند اول بحث مفصلی درباره اصول داروسازی و طرز تهیه داروها مطرح می‌کند که با موضوع جمع‌آوری و ذخیره‌سازی دارو آغاز می‌شود. یکی از بندهای این فصل، "در یافتن درجات ادویه مرکب"، به روش‌های تعیین میزان داروهای مرکب اختصاص دارد. نورالدین شیرازی در این بخش به شرح اقدامات فنی و شیمیایی چندی می‌پردازد که برای تصفیه دارو صورت می‌گیرد که از جمله آنها می‌توان به تنقیه، حل، استخراج و تصعید اشاره کرد. بند پانزدهم، "مرکبات افیون"، درباره ترکیبات تریاک است. بندهای دیگر نیز جزییاتی در خصوص داروهای متفاوت مطرح می‌کنند؛ از جمله جزییاتی درباره مهم‌ترین داروهای خمیری مثل معجون و طرز تهیه آنها و همچنین جزییاتی درباره اتریفات (که مرادف لفظ طریفل، یا تری‌پهل، به معنای ماده مرکب سه‌گانه است که در طب آیورودا استفاده می‌شود)، قرص‌ها (اقراص، حبوب)، داروهای پودری (سفوفات)، روغن‌ها (اذان) و ضمادها (کمادات)، پمادها (نطولات)، عطرها و سموم. علاوه بر این، یکی از بندها هم به ساخت کاغذ و جوهر اختصاص دارد.

شیرازی بند بیست‌وسوم و بند بیست‌وچهارم را به ترکیب‌های جیوه‌ای (مرکبات رس) و کیمیاگری هندی (مرکبات رساین) اختصاص داده است. بند سی‌وهفتم، که به نه بخش تقسیم می‌شود، به فیزیولوژی نفس و تمرین‌های تنفسی هندی‌ها اختصاص دارد. از آن جمله بعضی تمرین‌های درمانی جوکی‌های هندی تحت عنوان "در معرفت اجرای نفس و منافع آن" عنوان می‌شود. نورالدین شیرازی توضیح می‌دهد که جوکیان هند معتقدند که جریان نفس در طول روز بیش‌تر در یکی از دو سوراخ بینی گردش دارد و نه در هر دو سوراخ. این جریان مرتباً از یک سوراخ به سوراخ دیگر تغییر می‌کند و فقط بعضی وقت‌ها در فاصله‌های زمانی مشخص نفس در هر دو سوراخ جریان دارد. او همچنین رابطه بین تنفس از راه بینی و اصول خورشیدی و قمری را

شرح می‌دهد و اظهار می‌دارد که سوراخ راست بینی به خورشید^{۴۱} مربوط می‌شود و سوراخ چپ به ماه.^{۴۲}

در پایان باید گفت که این مقاله فقط به شرح کلی مضامین و موضوع‌های اصلی این رسالهٔ عظیم پزشکی پرداخته و تحلیلی مقدماتی برای بررسی و درک ویژگی‌های مهم‌علاجات داراشکوهی است که یکی از جامع‌ترین فرهنگ‌های پزشکی فارسی به شمار می‌آید که در هند تألیف شده است. یکی از ویژگی‌های اصلی این کتاب ترکیب سنت‌های پزشکی دنیای مسلمانان است. این کتاب از یک سو به اصول پزشکی ابن‌سینایی می‌پردازد و از طرفی دیگر به سنت‌های پیامبران و همچنین به سنن مربوط به علوم خفیه نیز توجه دارد. این اثر یکی از نمونه‌های بارز ادبیات پزشکی هند دورهٔ مغول است. هدف اصلی نورالدین شیرازی از تألیف این اثر آن بود که انواع دانش پزشکی رایج در بین پزشکان مسلمان هند قرن هفدهم میلادی را در کتابی جامع گرد آورد. از این رو، او به میراث کلاسیک نویسندگان یونانی و عرب رو می‌آورد و عناصری پزشکی و داروشناختی را به این میراث اضافه می‌کند که دانشمندان مسلمان هند از منابع هندی گرفته‌اند. علاجات داراشکوهی نمونهٔ بارز ترکیب دانش پزشکی اسلام و هند در شبه‌قارهٔ هند است. این اثر محصول منسجم محیطی فرهنگی و فکری است که نویسنده در آن فعالیت می‌کرده است. بنابراین، جای تعجب ندارد اگر این اثر به داراشکوه، شاهزادهٔ مغول، تقدیم شده باشد که دانشمندی صوفی‌مسلك بود و از ترجمه‌های فارسی آثار سانسکریت حمایت می‌کرد. داراشکوه خود چند سال بعد از اینکه علاجات داراشکوهی به رشتهٔ تحریر در آمد، کتابی با عنوان مجمع‌البحرین تألیف کرد که مطالعهٔ تطبیقی مهمی دربارهٔ سنت‌های مسلمانان و هندوان و نمونهٔ ارزنده‌ای از تفکر علمی و فرهنگی عصر او بود.

^{۴۱}تنفس خورشیدی نفسی است که از سوراخ راست ^{۴۲}تنفس قمری نفسی است که از سوراخ چپ بیرون می‌آید و گرم است.



ENCYCLOPÆDIA IRANICA

مجموعه مقالات گیلان در دانشنامه ایرانیکا زیر نظر کریستین برومبِرژه*

از چند سال پیش، به منظور تسهیل بهره‌گیری محققان از مقالات دانشنامه ایرانیکا طرح تازه‌ای در مرکز ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا آغاز شده است و همه مقالاتی که در یک زمینه خاص -چه به صورت چاپی و چه به صورت الکترونیکی- منتشر شده‌اند، در یک مجموعه در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرند. نخستین جلد این مجموعه که به مقالات دانشنامه ایرانیکا در زمینه دانش پزشکی در ایران و سرزمین‌های ایرانی و همچنین شرح حال پزشکان نامدار ایرانی و سهم آنان در پیشرفت دانش پزشکی زمان اختصاص دارد در سال ۲۰۰۴ و جلد دوم آن، که مقالات مرتبط با یهودیان ایرانی از قدیم‌ترین دوره‌های تاریخی تا امروز، لهجه‌های گوناگون‌شان و نقش آنان در فرهنگ و هنر و موسیقی ایران را در بر می‌گیرد، در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است.

سومین جلد این مجموعه کتابی است شامل ۵۴ مقاله تحقیقی مستند به منابع موثق که تا امروز در دانشنامه ایرانیکا درباره گیلان منتشر شده است. این کتاب ۶۱۰ صفحه‌ای در چهار فصل تنظیم شده است.

- **فصل اول** شامل جغرافیا، تقسیمات اداری، جمعیت‌شناسی و ترکیب قومی و زبانی استان گیلان و ۲۱ شهر و ولایت استان است که در مقاله‌های جداگانه به آنها پرداخته شده است.
- **فصل دوم** به سرگذشت گیلان در طول تاریخ می‌پردازد و از حفاری‌های مارلیک تا یکایک دوره‌های تاریخی گیلان، اطلاعات سودمندی به دست می‌دهد. سپس، آثار تاریخی گیلان در مقاله‌های تفصیلی معرفی می‌شوند.
- **فصل سوم** شرح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی استان، محصولاتی چون ابریشم و برنج و چای و زیتون، فرآورده‌های شیلات و تولید خاویار و نیز صنایع دستی و خانه‌سازی است.
- **فصل چهارم** شرح آداب و رسوم خاص گیلان، از جمله آداب ازدواج و فولکلور و بازی‌ها و پوشاک و خوراک و شیوه‌های طبخ غذای رایج در میان روستاییان و شهرنشینان گیلان است. این فصل با مقاله‌ای درباره هویت و خویش‌نگری اهالی گیلان پایان می‌یابد. فهرست تفصیلی اعلام و اماکن در پایان کتاب آمده است.

This volume is
published by the
Encyclopaedia
Iranica Foundation
& Institut Français
de Recherche en
Iran, 2013.

* پروفیسور کریستین برومبِرژه استاد دانشگاه پروانس در فرانسه و از مدیران شورای موزه تمدن در اروپا و کشورهای ساحل مدیترانه و صاحب تألیفات متعدد درباره گیلان و فرهنگ آن است که نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از مقاله‌های مستند و مفصلی که به دعوت دانشنامه ایرانیکا درباره فولکلور و آداب زیستی مردم گیلان تدوین کرده است که در این مجموعه هم گنجانده شده‌اند.

Encyclopaedia Iranica Foundation

450 Riverside Drive

New York, NY 10027 USA

(212)851-9161 ey4@columbia.edu

www.iranicaonline.org